



جان بولتون / مشاور امنیت ملی سابق ترامپ / مترجمان: مسعود میرزایی و بهجت عباسی

خاطرات ۲۵۳ روز حضور در کاخ سفید

اتاقی که در آنجا اتفاق افتاد

سخرانی طولانی ترامپ در نشست ناتو

ترامپ در ادامه سخنانش درباره سهم کشورهای عضو ناتو در هزینه‌های آن گفت: سال‌ها رؤسای جمهوری امریکایه این اجلاس می‌آمدند و از این موضوع شکایت می‌کردند ولی بدون هیچ اتفاق خاصی اینجا راترک می‌کردند، این در حالی بود که ما ۹۰ درصد هزینه ناتو را پرداخت کرده‌ایم، تعلل ما در گرفتن حق‌مان در گذشته باعث شده است تاکنون هیچ اتفاقی رخ ندهد. ترامپ همچنین گفت: امریکا برای ناتو اهمیت زیادی قائل است اما اهمیت این ائتلاف برای اروپا که دورتر است، بسیار بیشتر است. او با اشاره به اینکه پدرش آلمانی و مادرش اسکاتلندی بوده اظهار داشت که احترام فراوانی برپای خانم مرکل قائل است. اما در ادامه با شکایت از آلمان گفت این کشور فقط ۱،۲ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را صرف بودجه ناتو کرده و تا سال ۲۰۲۵ فقط آن را ۱،۵ درصد افزایش می‌دهد. فقط پنج کشور از ۲۹ کشور عضو ناتو اکنون سهم دو درصدی خود را پرداخت‌اند. ترامپ تصدیق کرد اگر این کشورها ثروتمند نبودند، کاستی آنها را در پرداخت سهم شان به ناتو درک می‌کرد. او گفت: «امریکا قصد دارد به حمایتش از اتحادیه اروپا ادامه دهد» اما ناگهان به موضوع تعرفه‌های تجاری و اتحادیه اروپا بازگشت و گفت که فکر می‌کند برای تحلیل دقیق‌تر باید تعرفه‌های تجاری را هم به ناتو ربط داد. اتحادیه اروپا محصولات ما را نمی‌پذیرد و این چیزی است که امریکا نمی‌تواند اجازه دهد ادامه یابد، اما از میان همه اعضای ناتو فقط کشور آلبانی در مراسم ضیافت شام دیشب به این موضوع پرداخته بود. این وضعیت ما را درست در همان شرایطی قرار می‌داد که چهار سال بود در آن قرار داشتیم (تنها مانند امریکا در طرح این مسائل). ترامپ بر سر مسائل دیگری نیز از جمله مهاجرت و فقدان کنترل‌های مرزی مناسب، با اتحادیه اروپا اختلاف داشت. او می‌گفت: اتحادیه اروپا اجازه می‌دهد افرادی وارد کشورهای عضو این اتحادیه شوند که می‌توانند جنگجویان دشمن باشند بویژه که این افراد اغلب جوان هستند. ترامپ در ادامه گفت، احترام زیادی برای ناتو و استولتبرگ دبیرکل آن قائل است و توضیح داد که اعضای ناتو می‌خواهند روسیه را تحریم کنند اما آلمان میلیاردها دلار به خاطر خط لوله نورد استریم ۲ به روسیه می‌پردازد و از این رو هیولا را تغذیه می‌کند. این مسأله بزرگی در ایالات متحده است. وی بر این باور بود که روسیه همه ما را احسق قرض می‌کند زیرا ما میلیاردها دلار به دلیل خط لوله جدید به این کشور پول می‌دهیم که به نظر من نباید اجازه این کار را می‌دادیم. او گفت امریکا می‌خواهد شریک خوبی برای اروپا باشد اما متحدان امریکانیز باید سهم خود را بپردازند؛ آلمان برای مثال باید همین حالا هدف‌گذاری انجام شده در خصوص اختصاص دو درصد از تولید ناخالص داخلی خود به بودجه دفاعی ناتو را محقق کند، نه اینکه تا سال ۲۰۳۰ معطل کند. او در بیان این جمله در سالن بزرگ محل برگزاری اجلاس سران به طور مشخص از مرکل نام برد.

ترامپ افزود، امریکا هزاران کیلومتر از اروپا دور است و اشاره کرد که برای مثال آلمان هیچ کمکی به موضوع اوکراین نمی‌کند. وی گفت، به هر حال، اوکراین کمکی به ایالات متحده نمی‌کند ولی این کشور به اروپا کمک می‌کند زیرا مرز اروپا با روسیه باید توسط امرپ دوباره به موضوع سهم ناتو برگشت و گفت همه متحدان ناتو باید همین حالا هدف‌گذاری انجام شده در مورد اختصاص دو درصد از تولید ناخالص داخلی خود به بودجه دفاعی در قالب پیمان ناتو را محقق کنند اما تنها پنج کشور از ۲۹ عضو ناتو، این هدف را عملی کرده‌اند و حتی ثروتمندترین کشورهای اروپایی و کشورهای دوستی مانند فرانسه نیز هنوز دو درصد را اختصاص ندهاده‌اند که باید هر چه زودتر این کار را بکنند. ترامپ گفت: نمی‌خواهم گزارش‌های خبری رسانه‌ها از اجلاس جاری ناتو فقط این باشد که اجلاس با خرسندی سران برگزار شد. او گفت که خوشحال نیست زیرا معتقد است کشورهای اروپایی ایالات متحده را دست انداخته‌اند. او چندین بار دیگر هم سخنان مشابه خود را تکرار کرد و در پایان اظهار داشت: صددرصد و هزار میلیون درصد من در کنار ناتو هستم اما متحدان امریکا باید تا اول ژانویه سهم دو درصدی خود را بپردازند یا اینکه ایالات متحده کار خود را نمی‌کند.

رئیس جمهور امریکا سپس توضیح داد که چرا ساختمان مقرناتو که همه ما آنجا نشسته بودیم خوشش نمی‌آید و تکرار کرد که فقط یک تانک می‌تواند آن را ویران کند. ترامپ سخنرانی خود را با بار بار تعهیش به ناتو پایان داد اما گفت تعهدی به دفاع از وضعیت کنونی ندارد. او از کشورهای عضو خواست هر چه در توان دارند به ناتو پول بدهند اما نه در چهار یا شش سال آینده، بلکه همین حالا، زیرا اوضاع کنونی برای ایالات متحده قابل قبول نیست. او می‌خواست این موضوع مذاکرات سران ثبت و ضبط شود.

ترامپ همان کاری را انجام داد که من امیدوار بودم انجام دهد، هر چند که چند بار هم با روی خط قرمزها گذاشت. اما هنوز با وجود واکنش‌های متحیرانه حاضران در سالن بزرگ شورای آتلانتیک، ترامپ گفته بود که از ناتو حمایت می‌کند و به همین دلیل دشوار بود که سخنانش را به تهدید مستقیم برای خروج از ناتو تفسیر کرد. در هر حال شاید بتوان گفت که شرایط رو به بهبودی می‌رفت. وقتی آن می‌پرشد که چرا به رغم مشکلات فراوان برای مدت طولانی در این پست ماندم یکی از دلایل آن همین بود که حس می‌کردم اوضاع بهتر می‌شود. چند دقیقه بعد مرکل نزدیک صندلی ترامپ آمد تا با او حرف بزند؛ این حرکت مرکل نشان می‌داد که استولتبرگ برای تشکیل «میزگردی» غیر رسمی برنامه‌ریزی کرده است تا تهریک از مقامات فرصت داشته باشند دیدگاه‌های خود را نسبت به سخنان ترامپ بیان کنند. در این جلسه غیر رسمی سران دولت‌های مختلف گرنانی‌های سیاسی خود را تشریح کردند، انگار که انتظار داشتند دل ترامپ برای آنها بسوزد و گوپی خود ما در امریکا گونه‌گون دغدغه و نگرانی سیاسی در داخل نداشته‌یم. «مارک روت» نخست‌وزیر هلند تأکید کرد که بیوسته گفت‌و حق با ترامپ است و او وقتی روی کار آمده بر ضرورت افزایش کمک به بودجه دفاعی ناتو تأکید کرده است. روتنه گفت در مقابل همان طوری که کشورهای اروپایی اکنون درک می‌کنند هدف ترسیم شده دو درصدی توسط اوپاما اقدامی مقدماتی بوده است، اکنون همه چیز تغییر کرده است. به نظر می‌رسد که او پیام ترامپ را گرفته است. شاید صادقانه‌ترین واکنش از سوی نخست‌وزیر چک مطرح شد که گفت خیلی تلاش می‌کند تا سال ۲۰۲۴ میلادی هدف دو درصدی را محقق کند. اما با توجه به رشد سریع تولید ناخالص داخلی این کشور، مطمئن نبود که می‌تواند بودجه دفاعی را در سطح دو درصد حفظ کند. در واقع منظور نخست‌وزیر چک این بود که آنها به قدری با سرعت حرفش پرید تا بگوید خود او نیز مشکلاتی مشابه آن خود دفاع کند. ترامپ وسط حرفش پرید تا بگوید خود او نیز مشکلی مشابه و حتی به مراتب بزرگ‌تر به دلیل رشد اقتصادی سریع امریکا دارد. ترامپ گفت اوضاع کنونی غیرعادلانه و ناپایدار است و باید پایان یابد و اگر شرکای امریکا در ناتو به مسئولیت خود عمل نکنند، مشکلات بیشتری به بار خواهد آمد.

ترامپ توضیح داد که پروژه خط لوله گاز نورد استریم ۲ مهمترین مسأله آن نظر واشنگتن است و افزود، برخی می‌گویند آلمان اسیر روسیه شده است (این دقیقاً همان چیزی بود که خود ترامپ همیشه می‌گفت). ترامپ با لحنی متعجب پرسید: اگر متحدان ما سهم خود را نپردازند، چطور می‌توانیم در مقابل روسیه از خود دفاع کنیم؟ او گفت از مجارستان و ایتالیا خوشش می‌آید اما از نظر امریکا منصفانه نیست که آنها سهم خود را نمی‌پردازند. در حقیقت امریکا از کشورهایی حمایت می‌کرد که اجازه تجارت با آنها را نداشت، او دیگر حرفی برای گفتن نداشت بجز اینکه بار دیگر تأکید کرد باید نتیجه رضایت بخشی به دست آید تا امریکا به شریکی بزرگ تبدیل شود. ترامپ گفت نمی‌خواهد با بیان اینکه چه حماقت‌هایی در گذشته رخ داده، به کشورش لطمه بزند. او توضیح داد: هزینه کردن برای دفاع از پروژه نورد استریم ۲ نمونه‌ای از این حماقت‌ها است.

- پنجشنبه ۱ آبان ۱۳۹۹
- سال بیست و ششم
- شماره ۷۴۷۴

هشت صبح (افغانستان)

ماه نخست مذاکرات بین‌طالبان و دولت افغانستان برای غیرنظامیان این کشور خونین بود. در حملاتی که مردم افغانستان در این یک ماه متحمل شدند و در جدیدترین آنها در غور ۲۲ نفر کشته شدند، دست‌کم ۱۸۰ غیر نظامی جان خود را از دست دادند و ۳۷۵ نفر هم زخمی شدند.

نیویورک تایمز (امریکا)

دونالد ترامپ که در دوران ریاست جمهوری‌اش بارها به چین حمله کرده، همچنان یک حساب بانکی خود را در چین نگه داشته است. این حساب بانکی متعلق به مدیریت هتل او است که ترامپ به‌واسطه آن از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ بیش از ۱۸۸ هزار دلار به چین پرداخته بود.



شاتگهای دلی (چین)

چین در هفتمین سرشماری عمومی خود در نظر دارد برای مدیریت بیشتر روی ساکنان کشور خود، آمار سرمایه‌گذاران بین‌المللی و خارجی‌هایی که در این کشور زندگی می‌کنند را نیز در این آمار بگنجاند. به این ترتیب آنها نیز باید اطلاعات شخصی خود را به دولت ارائه دهند.



۶ روزنامه نگارو کارشناس بین‌المللی پسا انتخابات امریکا را بررسی کردند

جهان در فردای سوم نوامبر

ترجمه: گروه جهان

در فاصله ۱۲ روز مانده به انتخابات، اغلب رسانه‌های جهان به ۲۰ ژانویه، روزی که رئیس جمهوری جدید امریکا باید کلید کاخ سفید را به دست گیرد و وارد آن شود، می‌انديشند. زمانی که رئیس جمهوری جدید امریکا باید تصمیم بگیرد، در چهار سال پیش رو قصد دارد دست به چه تغییراتی در کشور خود بزند و سیاست خارجی خود را چگونه مدیریت کند. در اینجا به طور خلاصه به دیدگاه‌های ۶ روزنامه نگارو کارشناس رسانه‌ای معتبر جهان را که به جهان ۴ سال بعد، که احتمال دارد ترامپ در آن رئیس جمهوری امریکا باشد و یا به عکس یابیدن سکان هدایت امریکا را به دست گرفته باشد، پرداخته ایم.

آیا بایدن امریکایی‌ها را متحد می‌کند

شکاف موجود در جامعه امروز امریکا، شاید به‌واسطه ریاست جمهوری «دونالد ترامپ» نمود بیشتری یافته است. اما در واقع ادامه روندی چند دهه‌ای است که «ترامپ» شتاب بیشتری به آن بخشیده است. در هسته اصلی این تغییرات ما شاهد شکاف‌های جدی نژادی، قومی، مذهبی، جغرافیایی و فرهنگی بوده‌ایم که ناشی از وابستگی‌های انسان‌های جامعه به احزاب بوده است. در این فرآیند چند دهه‌ای، به علل مختلف رای‌دهندگان سفیدپوست بویژه محافظه‌کاران مذهبی و افراد فاقد تحصیلات عالی و افراد مسن، جذب افکار حزب جمهور یخواه شده‌اند. در حالی که رنگین‌پوست‌ها، سکولارها، تحصیلکرده‌ها، ساکنان شهرها و جوانان نیازهای خود را در ایدئولوژی حزب دموکرات پیدا کرده‌اند. در این چند دهه اتفاق دیگری نیز در جامعه امریکا رخ داده است که امروز بیش از هر زمان احساس می‌شود. از اوایل دهه ۱۹۶۰ جامعه امریکایی به سمت فردگرایی رفت. ماحصل آن از بین رفتن روابط جامعه با خانواده بود. اما این الگو روز به روز بیشتر باعث قطع ارتباط امریکایی‌ها با یکدیگر



مایکل لو عضو هیات سردبیری نیویورکر

شد. طوری که مشارکت‌های اجتماعی رو به زوال گذاشت و هنجارهای متقابل رایج بین انسان‌ها همانند صداقت و اعتماد کاهش چشمگیری یافت و انسان‌ها رو به خود آوردند. در حالی که جامعه امروز امریکا به جای تکیه بر فردگرایی نیازمند «ما شدن» است. «ترامپ» که با شعار «نخست امریکا» در انتخابات ۲۰۱۶ پیروز شد، بخشی از تفکری است که فردیت بر آن حاکم است. آنچه به روشنی در دوره «ترامپ» مشهود بود، حضور رئیس جمهوری خود شقیفته در کاخ سفید بود که تکیه کلامش «من» بود. «بایدن» در کارزار انتخاباتی خود نشان داد، این نکته را دریافته است. او در سخنرانی‌های خود بارها این جملات را به کار برده که «امریکا تبدیل به جایی خطرناک شده است»، «اعتماد بین مردم امریکا رو به زوال گدارده است. امید کلمه‌ای دست‌یافتنی است. امریکایی‌ها به جای اینکه یکدیگر را مخالف اعتقادات خود بدانند، آنها را دشمن خود می‌پندارند.» بنابراین او اگر پیروز انتخابات ۳ نوامبر باشد، یکی از نخستین وظایفش کام برداشتن در جهت تغییر دیدگاه‌های مردم نسبت به نوع حمایت‌های حزبی است که دموکراسی نیز از آن متأثر می‌شود.

منبع:Newyorker

بایدن تا چه حد می‌تواند دنیا را نجات بدهد؟

از دید جهان آزاد شکی نیست که دونالد ترامپ باید بیرون تا امریکایی‌ها و به واقع جهانیان نفس بکشند اما سوال اصلی موجود که این روزها دائماً تادیده گرفته می‌شود، این است که جو بایدن که گمان می‌رود شکست دهنده ترامپ و رئیس جمهوری «دموکرات» بعدی امریکا باشد، تا چه حد می‌تواند دنیایی را پدید آورد که جهانیان در عصر پساترامپ به خلق آن امیدوارند. اگر ترامپ پیروز شود، شاید قدری دندان‌های درنده‌اش را بسپاید و از برخورد با بکاهد و حتی به برقراری یک صلح نصف و نیمه با چینی‌ها و هر کره شمالی‌ها همت گمارد اما او در مورد ایده‌های بنیادینی که درباره برتری جویی‌های اقتصادی چین، بمب اتم‌سازی‌های کره شمالی و خشونت‌طلبی‌های القاعده و داعش دارد، هرگز قدمی به سمت عقب برنمی‌دارد و با نیمی از جهان سر «جنگ عقیدتی» دارد. در چنین فضایی ایده‌های پوپولیستی و ملی‌گرایی افراطی ترامپ که دلیل اصلی پیروزی او در انتخابات ۲۰۱۶ بودند و بعداً زیر سایه «کرونا»ی بدخیم و ژانبدستان قاتل امریکایی محو و کم‌ارزش شدند، فقط تا یک حد معین توسط بایدن قابل ملایم شدن خواهند



کمال درویش نظریه‌پرداز سیاسی و رسانه‌ای

بود. بایدن همین حالا هم اگر بخواهد همه معادلات و کنش‌هایی را که امریکا بر آنها استوار بوده، تغییر دهد، دست‌کم به دو سال زمان نیاز خواهد داشت و تازه باید پرسید او چقدر می‌تواند از روابط خصمانه سال‌های اخیر امریکا با چین بکاهد. با چینی‌ها که آشکارا در درصد تسخیر بازارهای جهانی و شکست دادن امریکا در رقابت‌های بزرگ اقتصادی است. شاید بایدن بسیاری از روابط و همکاری‌های مخدوش شده امریکا با اروپا و امریکا جنوبی را ترمیم نسبی آید، اما در زمانه‌ای که کمپانی‌های امریکایی و اروپایی رقابتی غیر قابل اجتناب برای تسخیر بازارهای دیجیتال و تولید وسایل الکترونیک دارند، چطور می‌توان همه چیز را به‌طور محبت آمیز و با هر دو دست به اروپایی‌ها هدیه کرد. امریکا می‌تواند در صورت ظاهر از لشکرکشی‌های خود در خاورمیانه بکاهد اما هر قدمی که به سمت عقب بردارد، جای پای روسیه را در این منطقه حیاتی از جهان بارزتر و عمیق‌تر خواهد کرد. بایدن مردی است که وظیفه دارد رویکردهای سبعانه ترامپ را ملایم کند اما احتمالاً برای انجام این کار به‌ای گزافی خواهد پرداخت و آن دست‌ستر مسأله‌ای که دموکرات‌ها همیشه به آن شهره بوده و بابت‌اش سال‌ها ملامت شده‌اند.

منبع:ProjectSyndicate

برای ترامپ دموکراسی کوچک‌ترین اهمیتی ندارد

تا انتخابات امریکا فرصت اندکی مانده اما جهان بیرونی و بنیادهای دموکراتیک از حالا تصمیم خود را گرفته و مایلند که دونالد ترامپ ناکام شود و ریاست جمهوری به جو بایدن برسد. دلیل آنها برای این نگرش بسیار ساده و صریح است: ترامپ طی چهار سال اخیر هر چیزی را که ناقض دموکراسی است، در عملکرد خود بروز داده است. امریکایی‌ها در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم هر ایده و نظریه‌ای را که حاکی از اهمیت دموکراسی است، تبلیغ کرده‌اند و هر چند این فقط یک ظاهر سازی بوده اما ترامپ همین دستاوردهای صوری را هم زیر پای سنجشش له کرده است.

اصولاً رؤسای جمهوری قبلی امریکا که به حزب دموکرات تعلق داشتند، در حرف و سخن همیشه منادی آزادی بوده‌اند و از جان اف. کندی در دهه ۱۹۶۰ تا باراک اوباما در دهه ۲۰۰۱ جنگلی از اهمیت برقراری روابط دیپلماتیک سالم بدون هیچ نگاه برتری‌خواهانه صحبت کرده‌اند اما ترامپ از زمان روی کار آمدن در کاخ سفید،



هریش شاری سردبیر روزنامه تایمگز

همه ملاحظات موجود و منطقی را محو کرده است. برای او نمادی که از امریکا در صورت عدم رعایت دموکراسی و نادیده گرفتن پیمان‌نامه‌های قبلی صلح و همکاری حاصل می‌آید، کوچک‌ترین اهمیتی ندارد و حتی بارها گفته است که دموکراسی جزء و عضوی از سیاست‌گذاری‌های جهانی نیست. این در حالی است که یک رهبر کشور و منصف باید ابتدا و حتی در صورت ظاهر و در اظهارات‌اش اهمیت دموکراسی را گوشزد و در حفظ آن کوشش کند. جامعه امریکا طی چهار سال زمامداری ترامپ از درون و ریشه لرزیده و هرگز با آرامش قرین نبوده و به نظر می‌رسد که او حاضر است به قیمت قدرتمند جلوه کردن هر چیز، دیگری را قربانی کند و تصویر و تجسم بعدی حاصل از این نگرش هم برای او کوچک‌ترین اهمیتی ندارد. ترامپ سخنران توانایی است ولی حرف‌هایش فاصله‌ی چشمگیر با واقعیت دارد و سیاست‌گذاری‌های جهانی‌اش سبب شده اکثر نقاط جهان و کشورها و ملت‌ها، امریکا را دشمن اول خویش بینگارند و این طریق عقل و شرط موفقیت برای تجاری از چین، تعرفه‌های جدید را بر استیل، آلومینیوم و... اروپا تعریف کرد و حتی در تأمین بودجه تخصصی ناتو نیز اما واگرهائی آورد. «جان بولتون»، مشاور

منبع:The Wire



اکبر شهید احمد کارشناس سیاست خارجی هافینگتون پست

هر چهار سال یکبار جهان به نظاره انتخاباتی در امریکا می‌نشیند که هیچ نقشی در آن ندارد، اما به نسبت محافظه کار یا لیبرال بودن برنده انتخابات تأثیر زیادی بر سرنوشتش می‌گذارد. پیروزی احتمالی «دونالد ترامپ» نخستین تأثیری که بر جهان می‌گذارد، تأثیر منفی او بر نهادهای دموکراتیک در جهان است. زیرا دموکراسی تنها برگزاری انتخاباتی نیست. آنچه دموکراسی را می‌ساز، حقوق، قوانین و نهاده‌ها هستند. زمانی که «ترامپ» حاضر به پذیرش انتقال مسالمت آمیز قدرت نیست، نه تنها به قوانین موجود حمله می‌کند که با این دست اظهارات، باعث می‌شود جهان اندک اندک به سمتی پیش رود که رهبران اقتدارگرا به این نتیجه برسند که می‌توانند بدون نگرانی از مورد بازخواست قرار گرفتن، به قوانین حمله کرده و دست به اقداماتی مشابه «ترامپ» بزنند. یکی از آنها «ژایر بولسونارو» است که اگر «ترامپ» پیروز شود، می‌تواند به اقدامات غیر محیط زیستی و دموکراتیک خود ادامه دهد. مشابه این رویداد ممکن است در هند روی دهد. جایی که «نارندرا مودی» و متحدانش با ایلرا ترس از مسلمانان دست

به حملات بی وقفه به رسانه‌های مستقل که نه فقط به نقد دولت هند که به نقد «ترامپ» پرداخته‌اند، می‌زند. در حالی که به گفته فعالان سیاسی هند، ترس از انتقادات بین‌المللی بویژه از سوی امریکا می‌توانند اقدامات دولت «مودی» علیه مسلمانان را محدود کند. به قدرت رسیدن مجدد «ترامپ» باعث می‌شود او در اقدامات افراطی خود سحارت بیشتری پیدا کند و با شدت بیشتری به سیاست‌هایی که در چهار سال گذشته داشته است، دست بزند. از همین رو پیروزی سنیترانه خود را پیش می‌برد و طرفداران تئوری‌هایی نظیر «کیوانان» با سرعت بیشتری در قاره سبز پرانند خواهند شد. اروپا شود. به احتمال بسیار زیاد، اگر «ترامپ» فرد پیروز انتخابات ۳ نوامبر باشد، راستگرایان افراطی و پوپولیست اروپا با شدت بیشتری سیاست‌های مهاجرت‌ستیزانه و اسلام سنیترانه خود را پیش می‌برند و طرفداران تئوری‌هایی نظیر «کیوانان» با سرعت بیشتری در قاره سبز پرانند خواهند شد. از دیگر سو، آشننگی‌هایی که «ترامپ» در عرصه جهانی به وجود می‌آورد، فضای مناسبی برای راستگرایان رادیکالی خواهد بود که از فضاهای بحرانی برای بی اعتبار کردن دموکراسی بهره می‌برند. بودن «ترامپ» در مسند قدرت امریکا حملات آنها به سمت گروه‌های لیبرال دموکرات را افزایش چشمگیری می‌بخشد.

منبع:HoffingtonPost

تأثیر بایدن و ترامپ بر اقتصاد جهان

اگر نامزد دموکرات‌ها ژانویه به کاخ سفید برود، روابط تجاری با اروپا تغییر محسوسی نخواهد داشت چرا که او تا زمانی که نتواند سرمایه‌گذاری کلانی در داخل کشورش انجام دهد بدون شک وارد هیچ توافق تجاری جدیدی بین‌المللی نخواهد شد. با این حال چهار سال پیش رو برای دیگر کشورهای جهان که تحت تعرفه‌ها و تحریم‌های ترامپ قرار دارند، بهبود شرایط تجاری در اولویت قرار دارد. از دیدگاه کارشناسان داخلی، «بایدن» مسیر درستی را می‌رود. در واقع آنچه در سال ۲۰۱۶ ترامپ را در ایالات‌های مهم صنعتی مانند میشیگان، ویسکانسین و پنسیلوانیا پیشتر کار نارضایتی از شرایط تجاری بود اما دموکرات‌ها با «بایدن» نمی‌خواهند اشتباه گذشته را تکرار کنند و این بار تمرکز بیشتری بر بهبود داخلی خواهند داشت. در این شرایط جهان نمی‌تواند مانند یا سال‌ها منتظر پایان این اصلاحات و نتایج آن بماند. در جنگ جهانی در دوره ترامپ به کلی ویران شده است بنابراین یک فهرست کوتاه اولویت‌ها مانند اصلاح روابط با سازمان تجارت جهانی، ائتلاف جدید برای مقابله اقتصادی با چین و... در برنامه‌های «بایدن» ضروری است. اما یک



ادوارد آلکین استاد دانشگاه وسترن واشنگتن و عضو شورای روابط خارجی

لغزش کوچک، می‌تواند طرح‌های او را فاجعه بارتر کند. به طور مثال از یک سو طرح «بایدن» برای سرمایه‌گذاری ۴۰۰ میلیارد دلاری خرید امریکایی با تمرکز بر صنایع و فناوری انرژی پاک تماماً امریکایی- که به نظر سنجی‌ها ۷۵ درصد موافق داشته و ۴۰ درصد نیز آن را زمینه ساز ایجاد مشاغل جدید می‌دانند، اقدامات بلندمدت تجاری امریکا و دیگر کشورهای سازمان تجارت جهانی را زیر سوال می‌برد و از سوی دیگر او پیشنهادی دست و دلبازانه برای کمک به صنایع داخلی ارائه کرده که جایی برای حمایت از معاملات بین‌المللی برای امریکا نمی‌گذارد و... بدون شک تحقق این وعده‌ها صدای بسیاری از هم پیمانان امریکا را درمی‌آورد. از سوی دیگر شاید «ترامپ»، در تبلیغات خود رقیب را متمایل به چین بنامد اما در حقیقت «بایدن» نیز رویکرد مشابهی به چین دارد. پس تصور اینکه امریکا با «بایدن» به شرایط تجاری قبل از «ترامپ» بازمی‌گردد محتمل نیست و به نظر نمی‌رسد همه پیمانان امریکا فرصت اصلاحات داخلی را به دموکرات‌ها بدهند. در این شرایط بایدن برای فهرست اولویت‌های خارجی برنامه مبتنی داشته باشد و به جنگ تعرفه‌ای خارجی برنامه نوعی اشتباه سال ۲۰۱۶ را تکرار نکند می‌تواند شانس بهتری برای پیشبرد اهدافش داشته باشد.

منبع:Foreign Policy

بایدن هم دزد دگی اروپا از امریکا را ترمیم نمی‌کند

امنیت ملی سابق ترامپ معتقد است رئیس جمهوری در صورت بازگشت به کاخ سفید به احتمال فراوان از ائتلاف اروپا خارج می‌شود. این پیش‌بینی حتی آلمان را در دوراهی چین و امریکا با گرایش بیشتر به چشم بادامی‌ها قرار داده است. در این شرایط طرح شماره دو اروپا با ۴ سال احتمالی با ترامپ، ابتدا اروپای متحد است. وزیر خارجه آلمان و رئیس جمهوری فرانسه نیز بر آن تأکید دارد. اما این تدبیر صحیحی نیست چرا که این شرایط، اروپا را به سمت دوقطبی می‌برد. به طوری که بسیاری از همسایگان روسیه به سوی امریکا می‌روند و امثال لهستان نیز کاخ سفید را به بروکسل، برلین و پاریس ترجیح می‌دهند. اما اگر «بایدن» رئیس جمهوری شود، او دوست همپیمانان امریکا خواهد ماند و حتی بار دیگر به توافق اروپا و عضویت سازمان بهداشت بازمی‌گردد و مانند یک شریک برای اروپا عمل خواهد کرد. او ممکن است خروج نظامیان از آلمان را متوقف کند اما برای مواضع دفاعی ترانس آتلانتیک در هراس از توقع آسیایی‌ها هزرنه نمی‌کند و... با این حال آنچه مسلم است، امریکا با هر رئیس جمهوری دیگر برای اروپا ایمن نیست و باید برای شکاف نوامبر آماده باشند.

منبع:Bloomberg

شکاف ترانس آتلانتیک اجتناب‌ناپذیر است اما اینکه برنده انتخابات نوامبر امریکا «ترامپ» باشد یا «بایدن»، در شدت این مؤثر خواهد بود. اروپای غربی همپیمان پیشین امریکا یا روی کار آمدن «ترامپ»، بیش از یک دوست شبیه دشمن آن (لفظی که رئیس جمهوری امریکا به کار می‌برد) شد. اروپایی‌ها بخوبی می‌دانند که شکاف ترانس آتلانتیک با ترامپ به بسیاری از مشکلات اروپا می‌انجامد. در واقع این شکاف از دوران «جورج دبلیو بوش» آغاز شد اما «باراک اوباما» هر چند ظاهری تا حدودی آن را اصلاح کرد. در این شرایط «ترامپ» برخلاف همه اسلافش از زمان جنگ جهانی دوم، شمشیر را برای رهبران اروپایی از رو بست و همان‌طور که «اتکلا مرکل»، صدراعظم آلمان را کوچک می‌شمرد، دست دوستی با «لادیمیر پوتین» رئیس جمهوری روسیه داد. در جنگ تجاری از چین، تعرفه‌های جدید را بر استیل، آلومینیوم و... اروپا تعریف کرد و حتی در تأمین بودجه تخصصی ناتو نیز اما واگرهائی آورد. «جان بولتون»، مشاور



اندروسون کلوت ستون نویس بلومبرگ

دشمن آن (لفظی که رئیس جمهوری امریکا به کار می‌برد) شد. اروپایی‌ها بخوبی می‌دانند که شکاف ترانس آتلانتیک با ترامپ به بسیاری از مشکلات اروپا می‌انجامد. در واقع این شکاف از دوران «جورج دبلیو بوش» آغاز شد اما «باراک اوباما» هر چند ظاهری تا حدودی آن را اصلاح کرد. در این شرایط «ترامپ» برخلاف همه اسلافش از زمان جنگ جهانی دوم، شمشیر را برای رهبران اروپایی از رو بست و همان‌طور که «اتکلا مرکل»، صدراعظم آلمان را کوچک می‌شمرد، دست دوستی با «لادیمیر پوتین» رئیس جمهوری روسیه داد. در جنگ تجاری از چین، تعرفه‌های جدید را بر استیل، آلومینیوم و... اروپا تعریف کرد و حتی در تأمین بودجه تخصصی ناتو نیز اما واگرهائی آورد. «جان بولتون»، مشاور

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir